

بیانیه مشترک

در دفاع از خواست های ناصر زرافشان و دیگر زندانیان سیاسی

ایرانیان آزاده

روز سه شنبه هفتم خرداد ماه، ناصر زرافشان، وکیل زندانی خانواده های قربانیان قتل های زنجیره ای، در اعتراض بر بی توجهی مسئولین زندان و تلاش مسئولین قضائی جمهوری اسلامی در زنده به گور کردن خود، از طریق دفع الوقت در ایجاد شرائط و امکان دسترسی به پزشکی و درمان ضرور برای معالجه بیماری اش، دست به اعتصاب غذا زده است. در نامه ای که آقای زرافشان خطاب به مردم ایران منتشر کرده، آمده است:

«شش ماه است که در نتیجه بروز ناراحتی حاد کلیوی، ضمن تحمل بیماری و عوارض آن، سرگرم کشمکش با مسئولین گوناگون برای واداشتن آنان به اجرای مقررات قانونی، در زمینه معالجه بیماری خود هستم. اما نه پیگیری های خود من از درون زندان، و نه مراجعات مکرر و کلایم در خارج از زندان، هیچ یک تاکنون به نتیجه ای نرسیده است و مسئولین همواره دفع الوقت کرده اند. حال آن که نتایج معاینات، آزمایش ها و عکسبرداری های گوناگونی که همه بوسیله بهداری زندان و متخصصین و پزشکان معتمد آنها صورت گرفته و از زندان برای مسئولین قضائی ارسال شده همه چیز را به روشنی مشخص ساخته و مسئولین ذیربط در جریان کامل آن قرار دارند.»

ناصر زرافشان در این نامه تاکید نموده است که «برای احقاق طبیعی ترین و ابتدائی ترین حقوق خود، وسیله دیگری جز جان خویش در اختیار ندارم» و علیرغم بیماری شدید کلیه که مدت هاست بدان مبتلاست اعلام کرده است که: «دست به اعتصاب غذای نامحدود خواهم زد و این مارتن مرگ را تا پایان ادامه خواهم داد، تا اگر هدف از رفتاری که با زندانیان سیاسی مستقل می شود مرگ تدریجی آنان در زندان بنحوی باشد که کسی مسئول آن تلقی نشود، این دسیسه را بی اثر سازم و مسئولین آن را به روشنی در منظر و میدان دید جامعه و مردم قرار دهم.»

ناصر زرافشان و کیل خانواده قربانیان قتل های زنجیره ای و عضو کانون نویسندگان ایران، تنها به جرم تسلیم نشدن به خواست حکومت برای سرپوش گذاردن بر پرونده هم چنان باز قتل های زنجیره ای، با یک پرونده سازی فرمایشی در یک دادگاه ساختگی و به طرز غیرقانونی محاکمه و زندانی شده است. اکنون زندانبانان زرافشان در اندیشه محکوم نمودن او به مرگ تدریجی از طریق قطع امکانات درمانی و حق قانونی استفاده از مراقبت های پزشکی و سایر امکانات از جمله مرخصی های درمانی هستند.

بدون هیچ تردیدی ناصر زرافشان، تنها قربانی دستگاه قضائی تحت فرمان صاحبان قدرت در حکومت اسلامی نیست. اکبر گنجی نیز ۱۰ روز پیش فقط بعد از یک اعتصاب غذا توانست، از مرخصی استعلاجی برخوردار شده، از زندان خارج شود. تکلیف زندانیان ملی مذهبی بعد چند سال زندان هنوز روشن نیست. کسی هم نمی داند که آن ها به چه جرمی، بجز مخالفت با حکومت در زندان هستند. مسئول دستگیری و زندانی کردن آنان ها کدام دستگاه دولتی است. خانواده های ملی مذهبی به هر دری می زنند و جوابی از هیچ یک از مقامات مسئول اعم از رئیس جمهور تا رئیس قوه قضائیه رژیم دریافت نمی کنند. امید عباسقلی زاده که به دلیل فعالیت های دانشجویی به سه سال زندان محکوم شده است، اکنون دو هفته است که به دلیل محرومیت از حق مرخصی دست به اعتصاب غذا زده است. هم چنین تعدادی دیگر از زندانیان سیاسی در زندان رجائی شهر، به دلیل عدم تفکیک جرائم و خواست های دیگر بارها دست به اعتراض زده اند و هم اکنون تعدادی از آن ها در اعتصاب غذا به سر می برند.

هم چنین، هیچ خبری از سرنوشت تلخ و درد انگیزی که برای سیامک پورزند توسط شکنجه گران حکومتی رقم زده شد، در دست نیست.

در جمهوری اسلامی نه فقط هیچ صدای مخالفی تحمل نمی شود و دستگاه تفتیش عقاید و بگیر و ببند آن، از وکیل مدافع تا نویسنده و فیلمساز، از وبلاگ نویس تا روزنامه نگار و از دانشجو تا کار گز همه را در بند می کند، در شکنجه گاه هایش نیز دست به چنان اعمال شنیعی زده می شود که هر گاه گوشه ای از آن از پرده بیرون می افتد، حتی رئیس قوه قضائی حکومت هم، به دناست دستگاه تحت مسئولیتش اعتراف می کند. نامه زرافشان نشاهد زنده این واقعیت است که در زندان و در دوران سپری کردن محکومیت های غیر قانونی نیز، شکنجه روحی و فرسایش جسمی محکومین ادامه می یابد که هدف آن جز نابودی حتی جسمی زندانیان از طریق محو ابتدائی ترین حقوق زندانیان در برخورداری از امکاناتی مثل دارو و درمان، نمی تواند باشد.

ما امضا کنندگان این بیانیه، اعلام می کنیم که با ناصر زرافشان و زندانیان مبارزی که در زندان اوین، زندان رجائی شهر و سایر اسارتگاههای جمهوری اسلامی دست به اعتصاب غذا زده اند همراه هستیم و مقاومت دلیرانه آنان را در برابر استبداد می ستائیم. و وظیفه خود می دانیم که از خواست انسانی و بر حق این آزادگان دربند پی گیرانه دفاع کنیم. ما هم صدا با همه آزادیخواهان در پشتیبانی از زندانیان سیاسی اعلام می کنیم که:

(۱) خواهان رسیدگی فوری به خواست های دکتر ناصر زرافشان و آزادی بدون قید و شرط او هستیم.

(۲) خواهان تبرئه فوری اکبر گنجی، زندانیان ملی مذهبی و آزادی بدون قید و شرط فعالین جنبش دانشجویی و دیگر زندانیان سیاسی از روزنامه نگاران تا وبلاگ نویسان و فعالین سیاسی در زندان هستیم

(۳) از اقدامات تمامی نهاد ها و انجمن های دفاع از حقوق بشر در تلاش برای تحقق خواست های فوق الذکر حمایت می کنیم.

(۴) از کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و از مجامع، انجمن ها و نهاد های بین المللی مدافع حقوق بشر می خواهیم که با محکوم نمودن نقض فاحش حقوق بشر از جانب حکومت اسلامی، و دفاع از مطالبات زندانیان سیاسی، خانواده های آنان و نیز آزادیخواهان ایران، جمهوری اسلامی را به آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی و عقیدتی، وادار نمایند.

با درود به مبارزان دربند در زندان های جمهوری اسلامی

حزب دموکرات کردستان ایران

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کومه له - سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

۱۸ خرداد ۱۳۸۴ / ۸ ژوئن ۲۰۰۵